



نقد درون گفتمان

تحلیلی نقادانه بر تجربه یک سال آموزش مجازی

((مهدی واحدی))



با جایگزینی مطلق آن با آموزش حضوری، انتظار می‌رفت دو دسته اصلی بازیگران عرصه آموزش و پرورش، یعنی معلمان و یادگیرندگان، به صورت جدی و مستمر تحت آموزش‌های لازم قرار گیرند تا هم معلمان شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم را درست و سریع به دست آورند و هم دانش‌آموزان مهارت‌های ضروری تحصیل در این محیط را مطابق استانداردها کسب کنند. بگذریم که با توجه به خانه‌نشینی دانش‌آموزان و تحقق جریان آموزش در منزل، خانواده‌ها در آموزش نقشی بسیار جدی‌تر و پرننگ‌تر از گذشته پیدا کردند و نیاز جدی به آموزش‌های خانواده در حوزه چگونگی مدیریت امور آموزشی و تربیتی فرزندان احساس می‌شود.

❶ **تصور موقتی و گذرا بودن آموزش مجازی:** آنچه از رفتارها، گفتارها و بعضی تصمیم‌های اعلامی مسئولان بر می‌آید، این است که از همان ابتدا، طبق برآورد موجود، تصور مسئولان این بوده که آموزش مجازی امری موقتی، کوتاه‌مدت و گذراست و چندان نیازمند توجه، هزینه‌کرد و تمرکز نیست! نشانه‌های ادعای حاضر را می‌توان در شروع دیرهنگام تدابیر آموزش مجازی در ابتدای همه‌گیری کرونا، اصرار به برگزاری امتحانات خرداد ۹۹ به صورت حضوری، اصرار بر بازگشایی حضوری مدرسه‌ها در شهریور ۹۹ یا مصاحبه و تأکید بر احتمال برگزاری امتحانات پایان ترم پاییز ۹۹ به صورت حضوری دید که هیچ‌کدام هم محقق نشدند!

به نظر می‌رسد، این نوع برخورد با موضوع، ناشی از تصور تصمیم‌گیران مبنی بر موقتی بودن شرایط بود. لذا هر وقت اوضاع همه‌گیری قدری فروکش کرد، زرمه‌های حضور دانش‌آموزان در مدرسه‌ها بلند شد. البته و حتماً هیچ آموزشی جایگزین آموزش حضوری نیست، اما بحث اساساً این نیست که آموزش حضوری بهتر است یا مجازی، بلکه مسئله نوع مواجهه با موضوع است که تأثیرات خود را بر توسعه کیفی آموزش‌های مجازی می‌گذارد! ضمن اینکه شوربختانه یا خوشبختانه باید متذکر شد، آموزش در جهان پساکرونا با فروکش کردن همه محدودیت‌ها و قرنطینه‌ها، هیچ‌گاه به حالت سابق و پیشاکرونا با باز نخواهد گشت که بخواهیم فناوری را بیوسیم و کنار بگذاریم، یا مطالبه‌ای در باب ادامه برخی جنبه‌های آموزش به طریق مجازی نباشد، بلکه آینده نظام‌های آموزش و پرورش موفق،

با گذشت حدود یک سال از همه‌گیری ویروس کرونا و تجربه آموزش مجازی در نظام تعلیم و تربیت، می‌توان این مسیر طی شده را با نگاهی آسیب‌شناسانه و نقادانه به قضاوت و تحلیل نشست و فراز و فرودهای آن را تبیین کرد. با نگاهی منصفانه و به دور از نقادانه‌های غرض‌ورزانه، می‌توان مجموعه‌ای از نقاط قوت و ضعف را برشمرد. البته نوشتار حاضر بر کاستی‌ها و نارسایی‌ها متمرکز است و این حتماً به معنای ندیدن نقاط مثبت اتفاقات رقم خورده، همچون توفیق راه‌اندازی شبکه‌ای بومی، تلاش‌های قابل تقدیر در توسعه و ارتقای این شبکه، و همت معلمان، مدیران و کارشناسان برای بهره‌گیری مناسب از امکانات موجود نیست. اما آنچه بیشتر می‌تواند به اصلاح مشکلات و کاستی‌ها کمک کند، برشمردن ضعف‌ها و نقدهای وارد از منظر علمی و با نگاهی دلسوزانه است. مجموعه این نقدها در نوشتار زیر آمده است.

❷ **۱. ضعف‌های زیرساختی:** منظور از زیرساخت، امکانات فنی و بسترهای لازم برای تحقق آموزش مبتنی بر شبکه است. از هنگام شروع آموزش مجازی به‌عنوان گزینه جایگزین آموزش حضوری در دوران همه‌گیری کرونا، مجموعه کنشگران عرصه تعلیم و تربیت در مدرسه و خانه، به دلیل ضعف‌های ساختاری و فنی، دچار مشکلات جدی شدند؛ از جمله: پایین بودن سرعت اینترنت در بسیاری از نقاط کشور، متصل نبودن یا اتصال ضعیف مدرسه‌ها به اینترنت، برخورداری ضعیف و غیراستاندارد مدرسه‌ها از امکانات رایانه‌ای و نابرخورداری بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان از ابزارهای هوشمند مورد نیاز.

این مشکلات در فروکاستن کیفیت آموزش‌های مجازی و تحقق اهداف مورد نظر سهم قابل توجهی داشتند و با وجود تلاش‌های صورت گرفته، هنوز باقی هستند.

❸ **۲. آموزش و فرهنگ‌سازی ضعیف:** حتی به‌جرت می‌توان مدعی شد که در زمینه آموزش نقش‌آفرینان حوزه عملیات تعلیم و تربیت (معلم، دانش‌آموز و خانواده)، به صورت رسمی اتفاق خاصی نیفتاده است. با توجه به بی‌سابقه بودن آموزش مجازی در کشور، در این سطح از همه‌گیری



با آموزش‌های ترکیبی و تلفیقی رقم خواهد خورد و این خود بر ضرورت تقویت زیرساخت‌ها و داشتن برنامه‌های جدی برای توسعه آموزش‌های مجازی دلالت دارد.

❶ **۴. انحصار در پلتفرم یا بستر:** راه‌اندازی شبکه آموزش دانش آموز (شاد) فی‌نفسه امری ستودنی و اقدامی قابل دفاع است، اما محدود کردن حق انتخاب مدرسه‌ها و معلمان به آموزش مجازی در این سامانه، واقعاً قابل دفاع نیست! بگذریم از اینکه اساساً شبکه‌های اجتماعی از ابتدا و بالذات نمی‌توانند بار تمام جریان آموزش را به‌دوش بکشند و همه امکانات مورد نیاز را تأمین کنند و در اختیار کاربران قرار دهند!

البته دغدغه مهم و قابل توجه امنیت اخلاقی و اطلاعاتی، و حفظ حریم خصوصی کاربران کودک و نوجوان در محیط مجازی، جدی و مهم است، ولی راه حفظ این امنیت، الزاماً انحصار در بستر آموزش مجازی نبوده و نیست، چرا که اولاً آنچه امروزه بیشتر به‌عنوان بستر آموزش مجازی استفاده می‌شود، سامانه‌های مدیریت یادگیری یا همان «ال‌ام‌اس» هستند که هم نمونه‌های موفق خارجی دارند و هم نمونه‌های موفق داخلی زیاد. (مجله حاضر، در شش شماره اخیر، در هر شماره در سرفصل «جهش تولید فناوری» سامانه‌های بومی و مناسب را معرفی کرده است). اتفاقاً موضوع مسائل امنیت اطلاعات و حریم خصوصی و مسائل اخلاقی و تربیتی در آن‌ها بسیار راحت‌تر و با کمترین دغدغه قابل مدیریت است. بله، شاید همگان را امکان دسترسی به این سامانه‌ها نبوده، ولی حداقل می‌توانستیم به آن‌ها که امکان و دسترسی دارند، این آزادی و حق انتخاب را بدهیم که خود از میان مجموعه‌ای از امکان‌ها (که می‌توانست فهرستی تأیید و ابلاغ‌شده توسط وزارت آموزش و پرورش باشد) دست به انتخاب بزنند تا مثل امروز با حرفه‌های جدی که بیش از پیش در عرصه عدالت آموزش مجازی ایجاد شده‌است، مواجه نمی‌شدیم؛ چنان‌که مدرسه‌های خاص و برخوردار (عمدتاً غیردولتی یا دولتی‌های ویژه) از بهترین، به‌روزترین و کارآمدترین بسترها برای آموزش مجازی استفاده کردند و اکثر مدرسه‌ها و دانش‌آموزان و معلمان ما در مدرسه‌های معمولی، در شهرها و روستاها، در همان حین درگیر بارگذاری و بارگیری (آپلود و دانلود) نشدن فایل‌های ارسالی برای یکدیگر بودند!

ثانیا، رسالت مهم‌تر نظام آموزش و پرورش، بیش از محدودسازی (یا حداقل همگام با آن)، فرهنگ‌سازی و آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان است که باید به دانش و مهارت‌های کار با رسانه‌ها، به شکل مطلوب و مطابق نظام ارزشی و بومی کشور، مجهز شوند. همه می‌دانیم شروع رسمی این آموزش‌ها در برنامه‌های درسی به دوره متوسطه موکول شده‌است، در حالی که فرزندان ما، دست کم از دوره پیش‌دبستانی، استفاده جدی از رسانه‌ها را شروع می‌کنند.

❷ **۵. استفاده نکردن از فرصت تعطیلات تابستان:** فاصله میان اتمام امتحانات پایان سال تا شروع سال تحصیلی جدید در تابستان، فرصت مغتنمی بود برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های لازم به‌منظور رفع بسیاری از مشکلات همان سامانه انحصاری شاد! می‌شد در تابستان با

اقدامی جهادی، به رفع مشکلات فنی این سامانه، تقویت نرم‌افزاری آن، تولید محتوای الکترونیکی به معنای واقعی، تسهیل کاربری و تنوع امکانات آن همت گماشت. اما این فرصت به‌راحتی از دست رفت و آنچه در ابتدای سال تحصیلی با آن مواجه شدیم، تبدیل شاد از شبکه‌ای پیام‌رسان به یک اپلیکیشن (برنامه کاربردی) آموزشی بود که البته اقدامات توسعه‌ای صورت گرفته بود، اما در بیشتر بخش‌ها و امکانات عمدتاً با پوسته‌ای بیش‌مواجه نبودیم. یا در نهایت به کانالی در قالب شبکه‌های اجتماعی متصل شدیم که به هیچ‌عنوان نمی‌شود نام آن‌ها را تولید محتوای الکترونیکی گذاشت!

❸ **۶. کم‌توجهی به عرصه پرورش و تربیت:** آنچه دغدغه اصلی و محوری قرار گرفت، آموزش بود و تعطیل نشدن تدریس و کلاس. طبیعی هم بود و البته قابل توجیه و دفاع! اما انتظار می‌رفت با گذر زمان و روی‌روال افتادن امور آموزشی، برنامه‌ریزان و مدیران آموزش‌های مجازی تدبیری برای امور پژوهشی و تربیتی در این دوران می‌کردند و با خلق ایده‌ها و راهکارهای جدید، به تداوم امر تربیت و پرورش همت می‌گماشتند و به یاری معلمان و خانواده‌ها می‌آمدند. اما متأسفانه، آنچه در عمل واقع شد، نشان می‌دهد در این زمینه نه ایده مناسب و خلاقانه و کارآمدی عرضه شد و نه اتفاق عملی قابل توجهی رخ داد و امروز یکی از آسیب‌های جدی و فرصت‌های از دست‌رفته و نگران‌کننده، چالش‌ها و کاستی‌هایی هستند که دانش‌آموزان را در این یک سال تهدید می‌کنند و چه بسا در ماه‌ها و سال‌های پیش رو آثار آن‌ها نمایان‌تر خواهد شد!

❹ **۷. کم‌توجهی به تجربه اندوخته جهانی:** جهان معاصر دست کم یک‌صد سال است که آموزش از دور را تجربه می‌کند و حداقل دو دهه است که آموزش الکترونیکی در نظام‌های آموزشی پیشرو در جهان، امری مرسوم است. در ایام همه‌گیری کرونا نیز تجربه‌های بسیار قابل استفاده‌ای در کشورهای مختلف دنیا در نوع و روش مواجهه با شرایط پیش‌آمده در دسترس بوده و هست که البته نیازمند مطالعه تطبیقی و برداشت‌های متناسب با شرایط بومی و فنی و زیرساختی و فرهنگی کشور است. اما نکته‌ای که در این بند مورد اشاره و نظر است، اصل توجه و استفاده از تجربه‌های جهانی است که نباید به بهانه غیربومی یا غربی و شرقی بودن، مورد بی‌توجهی قرار گیرد. به‌هر حال، آنچه مورد تأکید بزرگان کشور نیز هست، استفاده از تجربه‌های جهانی است؛ بدون هضم‌شدن در چارچوب‌های کلان فکری و فرهنگی آن‌ها.

از آنچه بیان شد، نه ایراد گرفتن هدف بود و نه مقصر نشان دادن به کسی و نه بنای نندیدن زحمات و تلاش‌ها؛ بلکه به جد قدردان مجاهدت‌های مسئولان زحمت‌کش هستیم و بیشتر از همه این قدردانی متوجه معلمان عزیز کشور است که با حداقل امکانات و با تمام نقاط ضعف و کاستی‌های موجود، تلاش مضاعف داشتند تا جریان آموزش تعطیل نشود. اما هدف از نگارش موارد فوق، ارائه تحلیل کارشناسی از یک سال تجربه آموزش مجازی در نظام تعلیم و تربیت کشور است که امید است بتواند به تصمیم‌سازی‌ها کمکی کند و با نمایاندن کاستی‌ها، مسیرهای اصلاحی را فراروی کنشگران این عرصه باز کند.

